

نخه پروری در سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی (ره)

محمدصادق فاضل¹

فاطمه اردشیری²

سیده مریم قاسمیان³

چکیده

نخه پروری و فراهم نمودن شرایط مطلوب جهت پرورش فکر و استعداد یکی از موضوعات راهبردی و ضرورتی اجتناب ناپذیر جهت رشد و توسعه هر جامعه‌ای است و پیشرفت همه جانبه جامعه در عرصه‌های مختلف وابسته به تربیت نخبگان و نیروی انسانی خلاق و بکارگیری آن‌ها در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد. در این راستا نباید از نقش اساسی اساتید نخه در پرورش نخه غافل شد. اساتید نخه با توجه به تجاربی که در روند نخه‌پروری دارند، می‌توانند نقش بسزایی در این مسیر داشته باشند. با استفاده از اندیشه و برنامه‌های آنان می‌توان افراد بااستعداد برتر را در هر عرصه شناسایی و آنها را به سمت نخبگی هدایت نمود. از این رو؛ هدف مقاله حاضر بررسی و تبیین فرآیند نخه‌پروری در اندیشه و سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی (ره) و نقش این عالم ربانی در نخه‌پروری است. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه موردی بر سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی (ره) و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از شاگردان نخه تحت تربیت ایشان در مدرسه علمیه فیضیه بابل، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. از سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی (ره) چنین برمی‌آید که نقش اساسی اساتید نخه و متخصص در راهبری و پرورش استعدادها برتر و نخبگان بیدیل می‌باشد و بخش مهمی از پیشرفت و اعتلای حوزه‌های علمیه و رسیدن به چشم اندازهای طراحی شده، وابسته به شناسایی و پرورش استعدادها برتر و رسیدن تا مرحله نخبگانی و میزان بکارگیری آنان دارد، که بدون نخبگان توسعه و پیشرفت جامعه امکان پذیر نیست.

کلیدواژه: نخه، نخه پروری، استعدادبرتر، آیت الله فاضل استرآبادی.

1 - استاد راهنما؛ استاد سطح عالی حوزه علمیه.

2 - دانش آموخته سطح سه رشته فقه و اصول، نشانی الکترونیکی: f.ardshiri@whc.ir.

3 - دانش آموخته سطح سه رشته کلام اسلامی؛ مرکز تخصصی نورالزهر (س) ساری، نشانی الکترونیکی: m.ghasemnia95@gmail.com

یکی از راههای پیشرفت و رشد همه جانبه حوزه‌های علمی شناسایی، پرورش و نگهداشتن طلاب نخبه و مبتکر به عنوان سرمایه‌های انسانی می‌باشد. توسعه سرمایه انسانی از طریق نخبه‌پروری و پرورش نخبگان و بکارگیری درست نخبگان در جایگاه مناسب، نقش اساسی در موفقیت و پیشرفت حوزه‌های علمی ایفا می‌کند.

توسعه کمی و کیفی سطح علمی آموزشی، پژوهشی و فرهنگی و استفاده صحیح از ظرفیتهای علمی نخبگان در راستای توسعه همه جانبه کشور همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری و مراجع تقلید بوده است.

سخن رهبری و دغدغه‌های ایشان درباره نخبگان حوزوی نشان از اهمیت موضوع است که در ۱۳ آذرماه ۱۳۷۴ در دیدار با جمعی از نخبگان حوزوی بیان داشته‌اند: «همین حالا در همین حوزه علمی قم، هزاران استعداد برجسته و طلاب فاضل و جوان‌های خوب وجود دارد که اگر اندکی به آنان توجه شود و در جای خود قرار بگیرند و کار بایسته‌ای از آنان خواسته شود، از تضييع وقت آنان در امور زائد جلوگیری شود، هرکدامشان خواهند توانست بخشی از این خلأ را پر کنند».

متأسفانه در مجموعه حوزه‌های علمی، این دغدغه همگانی وجود ندارد که نخبگان شناسایی شوند و استعدادهای کشف و ارتقاء یابند. اگرچه در گوشه و کنار حوزه، به عنوان یک نهاد حوزوی، از نخبگان حمایت‌هایی دارند، ولی فی‌الواقع کارهای پراکنده‌ای انجام می‌شود که در مجموع به نفع جامعه نخبگانی حوزه نیست. باید این فعالیت‌ها متمرکز و ساماندهی شوند تا آسیبی به این طلاب نرسد و ائتلاف سرمایه هم صورت نگیرد.

در این میان از نقش هدایتگری و نخبه‌پروری اساتید بزرگ در شکلگیری شخصیت علمی و معنوی انسان، شناخت، شناسایی و هدایت این سرمایه‌ها نباید غافل شد. تأثیر رفتار، اندیشه‌های ناب و تفکر خلاق اساتید برجسته، نخبه و علمایی همانند آیت الله فاضل استرآبادی (ره) در پرورش استعدادهای برتر و رسیدن به اهداف حوزه علمی، قابل اهمیت، توجه و بررسی می‌باشد.

اهمیت این عامل به‌حدی است که یکی از دغدغه‌های بزرگ حضرت آیت‌الله فاضل پرورش نخبگانی برای خدمت به اسلام، شکوفاسازی استعدادهای نخبه‌پروری بوده است. دغدغه آیت‌الله فاضل در راستای نخبه‌پروری تا جایی بود که این عالم وارسته هر آنچه که آموخته بود را با تأسیس یک مدرسه علمی فیضیه مازندران عملی کرد و سالها در کسوت یک استاد به تربیت طلاب فاضل، متعهد و مهذب مشغول بود که هنوز جلوه‌هایی از اثرات معنوی آن شخصیت اثرگذار در

جامعه مشاهده میشود. ایشان همواره هدف از تشکیل مدرسه علمیه فیضیه مازندران را اینگونه مطرح می‌کردند: «من اگر- مثلاً- قاضی شوم، یک قاضی خوب می‌شوم، یا اگر- مثلاً- نماینده مجلس شوم، یک نماینده مجلس خوب می‌شوم و اما اگر یک مدرسه علمیه تأسیس کنم، می‌توانم چندین قاضی خوب، نماینده مجلس، استاد دانشگاه و ... تربیت کنم».

هدف اصلی مقاله؛ تبیین اندیشه و دیدگاه آیت‌الله فاضل استرآبادی (ره) در فرآیند نخبه‌پروری میباشد که با استفاده از دیدگاه فوق‌العاده ایشان میتوان افراد با استعداد برتر را در هر عرصهای شناسایی و آنها را به سمت نخبگی هدایت نمود. از این رو، میتوان دریافت که بهره‌برداری از افکار و اندیشه بزرگانی همچون آیت‌الله فاضل (ره)، میتواند در فرآیند شناسایی استعدادهای برتر و پرورش نخبه نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت حوزه‌های علمیه داشته باشد.

سوالی که در این مقاله در پی پاسخ به آن هستیم این است که سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی در فرآیند نخبه‌پروری چگونه بوده است؟

از این رو با توجه به اهمیت موضوع و سؤال مطرح شده، پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، به تبیین نخبه و فرآیند نخبه پروری در سیره عملی آیت الله فاضل (ره)، تأسیس حوزه علمیه توسط ایشان، شیوه اجرای نخبه پروری با استفاده از معرفی افراد نخبه تحت تربیت ایشان پرداخته است.

2 ادبیات تحقیق

2.1 نخبه

2.1.1 معنای لغوی نخبه

واژه «نخبه» اسم مفعول و از ریشه «نخب» به معنای جدا کردن و برگزیدن است؛ یعنی جدا و گزین‌شده، و کلمه انتخاب از همین ریشه است که معنای برگزیدن و جدا کردن است (مهیمنی، 1378، ص 25).

نخبه واژه عربی و در زبان لاتین معادل آن الیت¹ است که در زبان فارسی به معنای، برگزیدگان، زبندگان، سرآمدان و تراز اول، مترادف نخبه است. نخبه، برگزیده از هر چیزی، انتخاب شده، مختار، زبده، گزیده و گزین است (دهخدا، 1377، ج 14، ص 2376). مشایخی در کتاب شیوه نخبگی حاصل معانی مختلف در کتب لغت را اینگونه بیان کرده است: «نخبه و نخبگان به معنای افراد جدا شده،

انتخاب شده، برگزیده شده در متون مختلف می‌باشد» (مشایخی، 1387، ص 20).

از این رو با توجه به معناشناسی این واژه، دو مؤلفه «برگزیدگی» و «انتخاب» بدست می‌آید.

2.1.2 معنای اصطلاحی نخبه

«در قرون 18 و 19 به افرادی که مشاغل عالی را در جامعه بر عهده داشتند، نخبه گفته میشد. واژه‌ی نخبه، در اصل به معنای هر چیز مرغوب و ممتاز و سرآمد بود و حتی در مورد توصیف کالاها و اجناس با مرغوبیت خاص نیز کاربرد داشت. در مورد اشخاص نیز به‌تدریج گروه‌های اجتماعی برتر، افراد برجسته و کارآمدی از نبوغ و شایستگی خاصی در علم، هنر، شعر و ادب و... بکار گرفته شده است و در جامعه شناسی نیز غالباً به افراد زبده و گزیده که در سلسله مراتب اجتماعی، مدیریتی را بر عهده دارند اطلاق شده است. در فرهنگ آکسفورد، الیت افراد قدرتمند صاحب نفوذ هستند؛ زیرا آنها دارای ثروت بصیرت و هوشمندی هستند» (ترابی، 1388، ص 20). بنابراین؛ نخبه شخصیتی برگزیده، واجد استعداد و توانایی ذهنی فوق العاده است.

در ادبیات سیاسی مفهوم نخبگان معمولاً به دارندگان مناصب عالی در درون نظام سیاسی اشاره دارد، ولی معنای دومی نیز برای این واژه به کار رفته است که بیشتر در مورد گروه‌های اجتماعی به کار می‌رود که گمان می‌رود به دلیلی برتر از گروه‌های اجتماعی دیگر هستند، هر چند که حکومت را در دست نداشته باشند. سوای معنایی که این مفهوم دارد، نکته مهم‌تر این است که شناخت نظام‌وار و سیستماتیک تحولات اجتماعی از طریق شناخت باطن عموم میسر نخواهد بود. از اینرو باید به شناخت ویژگی‌های نخبگان هر جامعه پرداخت که درصد کمی از هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند.

از همین رو و از آنجایی که الگودهی و ساختارسازی جامعه به عهده اقلیت نخبگان است، که گروه‌های مرجع را تشکیل می‌دهند، عزت و اقتدار جامعه و نیز ذلت و انحطاط آن به دست نخبگان رقم می‌خورد. لذا برای بررسی تحولات اجتماعی و رفتارهای جمعی راه صحیح این است که رفتار نخبگان جامعه مورد بررسی قرار گیرد. اگر نخبگان جامعه‌ای بر صلاح باشند قطعاً عامه مردم نیز بر همان طریق خواهند بود و اگر آنان بر طریق فساد باشند، جامعه‌ای که از آنها الگو می‌گیرد رستگار نخواهد شد» (پرتال امام خمینی، 1391)

محمود سریع القلم در کتاب عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران در مورد نخبگان چنین اظهار نظر میکند: «لغت نخبگان به معنای بزرگان، صاحبان فکر، شخصیت و توانایی‌های وسیع فکری و سازماندهی می‌باشد. نخبگان به دو گروه کلی

تقسیم می‌شوند: نخبگان فکری و نخبگان ابزاری، نخبگان ابزاری صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی هستند و نخبگان فکری افرادی هستند که اندیشه، فکر، روش-های بهینه، تئوری، آینده‌نگری و دوراندیشی تولید میکنند. آن‌ها روشهای عقلایی تحقق اهداف را مشخص می‌کنند. البته نخبه ابزاری می‌تواند در عرصه سیاست و یا نظام اقتصادی، از تواناییهای فکری نیز برخوردار باشد» (سریع القلم، 1384، ص 61).

شاخصه اساسی نخبگان آن است که این جماعت در عین اینکه اقلیت جامعه را تشکیل می‌دهند، اما تصمیمات و تأثیرات آنها اکثریت جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع نخبگان، اشخاص و گروههایی هستند که در نتیجه قدرتی که به‌دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا به‌وسیله ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به‌وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه، مؤثر واقع میشوند (روشه، 1991، ص 153). در یک معنای کلی، واژه الیت در مورد گروه‌هایی به کار برده میشود که گمان میرود به دلیلی، برتر از دیگر گروه‌های اجتماعی هستند، هر چند حکومت را در دست نداشته باشند (بشیریه، 2016، ص 67).

شهید مطهری در بیشتر آثار خود از عنوان «نابغه» برای این افراد استفاده کرده است. نابغه از نظر ایشان کسی است که با داشتن هوش و اراده خارق العاده و استعدادات ذاتی و اکتسابی، میتواند بر مبنای شناخت و فهم صحیح خود، بهتر از دیگران طبیعت تاریخ را شناخته و توانسته نیروهای تاریخی جامعه را به خدمت بگیرد و در جهت آن آگاهی صحیح و شناختی که داشته، توانسته نیروهای تاریخ را استخدام و به حرکت درآورد (مطهری، 1383، صص 61 و 62). با توجه به اینکه نابغه در آثار ایشان کسی است که علاوه بر نبوغ ذاتی، باید از ویژگیهای اکتسابی خاصی نیز برخوردار باشد و بتواند جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، میتوان با اندکی تسامح لغت «نخبه» را مترادف با «نابغه» به‌کار برد و آنها را یکسان دانست.

در ماده 4 اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، در تعریف نخبه و احراز نخبگی آمده: «نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود، که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فناوری و فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد، و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور شود» (اساسنامه بنیاد و سند راهبردی نخبگان، 1383).

2.1.3 نخبه حوزوی

در تعریف نخبه حوزوی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده و در دفترچه شناسایی استعدادهای برتر حوزه‌های علمیه خواهران هم آمده است: «به فرد حوزوی برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تربیت،

آموزش، تولید و گسترش علوم اسلامی و انسانی، تبلیغ، فناوری، فرهنگ و مدیریت، محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و رشد فضائل اخلاقی جامعه گردد»¹. براساس این تعریف درباره نخبه، اثرگذاری بالفعل در نخبگی ملاک تشخیص و شناسایی قرار گرفته است.

2.1.4 استعداد برتر

«استعداد برتر» به فردی اطلاق می‌شود که به صورت بالقوه نخبه بوده ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و یا بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است (آیین‌نامه احراز استعدادهای برتر و نخبگی، 14/06/1385). استعداد برتر حوزوی که تعریف آن از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در دفترچه شناسایی استعدادهای برتر حوزه‌های علمیه خواهران ارائه شده: «به فرد حوزوی اطلاق می‌شود که به صورت بالقوه نخبه بوده و زمینه‌های بروز استعدادهای ویژه و شناخته شدن و به عنوان نخبه در او وجود داشته و شرایط اختصاصی یکی از عرصه‌های تحصیل، تدریس، پژوهش، تبلیغ و امور فرهنگی را دارد؛ بنابراین در بحث استعداد برتر آنچه ملاک است، توان بالقوه افراد هست برای اثرگذاری در آینده که باید به نحوی کشف شود» (اساسنامه مرکز نخبگان). صلاحیتهای عمومی طلاب استعداد برتر حوزوی: داشتن انگیزه و اشتیاق و پشتکار در تحصیل حوزوی، باورمندی نسبت به هویت طلبگی، اهتمام به امور عبادی، اهتمام به پرهیز از رذایل اخلاقی، التزام به ولایت فقیه، حجاب و عفاف اسلامی، حسن رفتار و تعامل با دیگران، خلاقیت و نوآوری علمی، رعایت شایسته زی طلبگی، نظم و انضباط، تعادل شخصیتی، تعادل فکری، تعادل سیاسی (دفترچه فراخوان شناسایی استعدادهای برتر حوزه‌های علمیه خواهران، 1400، ص 6).

2.2 اهمیت نخبه پروری

رهبر انقلاب از همان اوایل قبول مسئولیت رهبری مکرراً بر ضرورت توجه به نخبه‌پروری تاکید داشته‌اند، بطوری که در تاریخ ۱۹/۴/۶۸ در جمع کارکنان یکی از نهادهای انقلابی، با اشاره به ویژگیهای منحصر بفرد نهفته در وجود افراد فرمودند: «نیروهایی که علم ابتکار و تجربه و اخلاص و شوق و نشاط و امید دارند، این سرمایه عظیمی است. اگر ما توانستیم از این سرمایه خوب استفاده کنیم، پیش خدای متعال سر بلند خواهیم بود، والا هیچ عذری نزد او نخواهیم داشت». رهبر معظم انقلاب در ۳ مهر 1381 در دیدار جمعی از نخبگان علمی می‌فرمایند: «باید برای نخبگان، حسابی باز کرد. ممکن است به نظر بیاید این یک

¹ - مصوب پانصد و هشتاد و نهمین جلسه مورخ 14/06/1385 شورای عالی انقلاب فرهنگی.

تبعیض است؛ اما تبعیض همه جا غیر عادلانه نیست؛ گاهی اوقات تبعیض، عین عدالت است. این حساب باز کردن برای نخبگان، عین عدل است؛ به خاطر این که ما باید نخبه و هوشمند را در حدّی که می تواند رشد کند، رشد بدهیم».

معظم له همچنین در ۱۲ مهر ۱۳۹۱ در دیدار شرکت کنندگان ششمین همایش ملی نخبگان جوان فرمودند: «ما باید استعداد های نخبه را شناسایی و تربیت کنیم، بعد در میان این ها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه ترند، بعضی استعداد های برترند؛ انتخاب بهترین ها. بعد از آن، نگهداری و ارتقاء است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقاء و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه ی دهم است، در آینده ی نه چندان دوری به رتبه ی اول برسد؛ ارتقاء پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه ی نخبه سازی شود- یعنی حالت شبکه ای پیدا کند- خود این نخبه، نخبه ساز و نخبه پرور شود. این طلاب، در صورت شناسایی درست، می توانند بخشی از نیاز علمی، فرهنگی و اجرایی استان ها را تأمین کنند و این مهم در صورتی محقق می شود که شناسایی درستی در این زمینه صورت گرفته و مورد حمایت قرار گیرند.

دغدغه های رهبری درباره نخبگان زیاد است و در مناسبت ها و نشست های مختلف آن ها را اظهار کرده اند. بحث امور نخبگان و تشکیل یک نهاد برای پیگیری امور نخبگان، با این دغدغه و مأموریت شکل گرفت که ابتدا شناسایی طلاب و بعد از آن حمایت و پرورش و ارتقاء ویژگی ها و فراهم نمودن شرایط برای تعمیق و نهادینه شدن آن در افراد، سپس به مرحله نخبگی دست یابند.

2.3 شاخصه های افراد نخبه

نخبگان هر جامعه در افتخار و استقلال آن جامعه نقشی بارز دارند، به طوری که یک نخبه با توجه به موقعیت و توانایی خود میتواند به تنهایی جمعیتی را به دنبال خویش بکشانند و اگر فردی خواستار موفقیت و توسعه کشور باشد، آن جمع را در راه توسعه راهنمایی کند و قادر است بر تحولات اجتماعی مؤثر باشد و اگر عکس آن باشد، میتواند با جریان سازی و جاذبه ی گرچه محدود خود، آنها را برای به انزوا کشیدن راهنمایی کند. پس نقش نخبگان چه در حالت مثبت و چه غیر از آن مهم و قابل توجه است و نباید آن را نادیده گرفت، باید استعدادهای ذاتی آنان را شناسایی و در عرصه کاری و در جهت توسعه کشور هدایت نمود. از این رو در این قسمت به شاخصه های افراد نخبه اشاره می شود.

1. اثرگذاری محسوس در تعلیم و تربیت
2. اثرگذاری محسوس در آموزش
3. اثرگذاری محسوس در تولید و گسترش علوم اسلامی و انسانی

4. اثرگذاری محسوس در تبلیغ
5. اثرگذاری محسوس در فناوری
6. اثرگذاری محسوس در فرهنگ
7. اثرگذاری محسوس در مدیریت
8. دارای هوش
9. دارای خلاقیت
10. دارای کارآفرینی
11. دارای نبوغ فکری
12. مؤثر در سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی
13. مؤثر در سرعت بخشیدن به رشد فضائل اخلاقی جامعه

3 روش

این پژوهش، برای اثبات سیره عملی حضرت آیت الله حاج شیخ محمد فاضل استرآبادی، در ابتدا شاخصه‌های نخبه را از تعریف نخبه حوزوی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده احصاء کرده است. در مرحله بعد، با تبدیل هر کدام از شاخصه‌ها به یک سؤال، یک پرسشنامه تهیه کرده است. در مرحله سوم، پرسشنامه بین چند تن از شاگردان حضرت آیت الله فاضل توزیع شد. اسامی ایشان بدین قرار است:

1.	حسن زاده، حسین	درس خارج، مدرس حوزه علمیه، فارغ تحصیل رشته تخصصی کلام
2.	رزاقپور، محمدجعفر	
3.	کاوه، غلامرضا	
4.	محمدی، مرتضی	خارج فقه و اصول و دکتری حقوق خصوصی، هیات علمی دانشگاه مفید و قائم مقام دانشگاه.
5.	میری، سید حسین	
6.	هاشمی، سید حسین	دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه.

در مرحله بعد، پاسخ‌ها جمع آوری و تحلیل شد و سپس نتیجه‌گیری شد

4.1 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در تربیت چه فعالیتی داشتند؟

بارزترین اثرگذاری به شاگردان در تعلیم و نیز در تربیت، عبور از تعلیم و تربیت خودش می‌باشد که مرحوم استاد (ره) چنین ویژگی‌هایی داشت. زیرا هرچه به شاگردانش می‌فرمود در عملش برای شاگردانش کاملاً محسوس بود و انتقال تطابق گفتار همراه با عمل محقق می‌شد.¹

استاد بزرگوار با وجود فضل حوزوی و اهمیت به سایر ابعاد، مهم‌ترین توصیه را در زمینه اخلاق داشتند و اهتمام ایشان بیشتر از هر چیز بر روی تربیت و اخلاق طلاب و مردم بود. درس اخلاق هفتگی ایشان و بعضاً دعوت از سایر اساتید برای درس اخلاق در حوزه علمیه مورد اهتمام ایشان بود و اکثر سخنرانی‌های ایشان برای مردم حاوی نکات اخلاقی ماندگاری بود. خود ایشان هم با وجود اجتهاد و دانش بالای حوزوی، بیشتر به انسان اخلاقمدار شهره بودند و همیشه تلاش می‌کردند تا از مدار اخلاق خارج نشوند و رفتار ایشان هم اخلاق عملی برای طلاب و مردم اجتماع بود. به یاد ندارم سخن ناشایست و توهین آمیز حتی نسبت به مخالفان از زبان ایشان شنیده باشم. در نهایت تواضع و فروتنی بودند حتی نسبت به کودکان و انسانهایی که مورد توجه معمول جامعه نبودند. اسوه صبر و شکیبایی بودند. رفتار عملی ایشان برای طلاب بسیار آموزنده بود بویژه زهد و ساده زیستی را به تمام معنا سرمشق زندگی خودشان قرار دادند. به دنبال جمعآوری مال دنیا و جاذبه‌های اقتصادی نبودند؛ بگونه‌ای که بعد از فوت ایشان هیچ مالی بجز البسه شخصی از ایشان به جا نمانده بود و هیچ مالی برای فرزندان خود به ارث نگذاشته بود. روزی (حدوداً پانزده سال قبل از فوت) یکی از مریدان از ایشان پرسید چرا هیچ مالی برای فرزندان به ارث نگذاشتید و تنها منزلی که در محله مراد بیک از پدرتان به ارث رسید را برای ساخت کتابخانه فیضیه مازندران اهدا کردید؟ در پاسخ فرمودند که مگر (نعوذ بالله) یک حیوان بعد از خود ارثی به جا می‌گذارد؟ منظور ایشان این بود که در این دنیا من هیچ ملکیتی برای خود قائل نیستم. اگر هدیه ارزشمندی مثلاً عبا یا کفش گران قیمتی به ایشان اهداء می‌شد فوراً آن را به دیگری هدیه می‌کردند و خود در زندگی شخصی کاملاً ساده زیست بودند.²

این عارف بزرگ در امور عبادی به دو عمل اهتمام و توجه ویژه‌ای داشتند و خودش عمل می‌نمود و به طلاب نیز تاکید فراوان داشت؛ یکی خواندن نماز شب و

¹ - میری، سید حسین

² - هاشمی، سید حسین، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه.

نماز جماعت به طور مستمر و در بحث عمل نیز به اثبات رسانید، «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّكُمْ»¹ بودند.²

آنچه که تأثیر گذار اعمال و رفتار استاد بود. بیش از این که توصیه‌های گفتاری استاد مطرح باشد، رفتار و برخوردهای ایشان الگوی شاگردان و طلاب بوده است. حضور استاد در یکساعت قبل اذان صبح و زمزمه‌ها و نماز شبهای ایشان بیشترین تأثیر را در شاگردان داشت.³

چیزی که در قرآن هم به آن اشاره شده این است که تزکیه و تربیت مقدم بر تعلیم است. در بدو امر ایشان به این موضوع توجه ویژه داشتند. از همان بدو امر به تمام جوانب توجه و اهتمام داشتند، وقتی برای ثبت نام برای اولین بار وارد حوزه فیضیه شدم، حاج آقا با لباس ساده‌ای حضور داشتن و حدود یکسال تأسیس شده بود و در یک برگهای اسامی ثبت نام کنندگان نوشته بود و حاج آقا فرمود وضو دارید؟ بروید وضو بسازید. ایشان به مسائل تربیتی و سیاسی توجه داشتند و برای ما که گروه دوم ثبت نام کنندگان بدیم، من باب تبرک روز 13 آبان را برای شروع درس اعلام نمودند.⁴

حضرت استاد اعلی الله مقامه الشریف برنامه تربیتی خصوصی نداشتند بلکه برنامه عمومی داشتند و همگان را سفارش مؤ کد می‌کردند به نظم در امور، نظافت شخصی و عمومی، نماز اول وقت، حضور در نماز جماعت خصوصاً نماز صبح و حضور و غیاب کردن در نماز صبح [البته به صورت نامحسوس]، تأکید بر شرکت در نماز جمعه، خواندن دعا، دعای کمیل و دعای توسل حتی شخصاً حضور داشتند و آخر دعای توسل را خودش می‌خواندند. به هر مناسبت و بهانه‌ای دست طلاب را می‌گرفتند و آنها را با خدا آشنا می‌کردند مثل شب قدر، اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان و اعتکاف ماه رجب و شب یلدا به سبک حضرت استاد که طلاب یا صد رکعت [یا هزار رکعت، تردید از من است] نماز بخوانند و یا یک ختم قرآن داشته باشند. حضرت استاد با عمل خویش طلاب را دعوت به خودسازی می‌کرد و به این روش اعتقاد داشتند و می‌فرمودند حضرت علی و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) چگونه فرزندان خود را تربیت کردند؟ با زبان یا با عمل؟ حضرت استاد می‌فرمودند برنامه‌های اسلام (انجام واجبات، مستحبات و ترک محرمات و مکروهات) بهترین برنامه تربیتی است و اگر غیر از این نیاز بود خداوند بیان می‌فرمودند. استاد توحید افعالی را در وجود خویش پیاده کرده بود و حضرت حق را همکاره عالم میدانستند و عجیب به آن اعتقاد و التزام داشتند و توکل عجیبی

1 - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّكُمْ لِيَزُوا مِنْكُمُ الْوَرَعُ وَ الْإِجْتِهَادُ وَ الصَّلَاةُ وَ الْخَيْرُ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ با غیر زبان خویش مردم را (بکیش و مذهب خود) دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، این‌ها خود دعوت‌کننده باشند»؛ اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۱۲۴.

2 - محمدی، رضا

3 - محمدی، مرتضی؛ خارج فقه و اصول و دکتری حقوق خصوصی، هیات علمی دانشگاه مفید و قائم مقام دانشگاه.

4 - کاوه، غلامرضا،

داشتند. از حدیث اخلاقی هرچه میخواندند در عمل و رفتار او، التزام به آن حدیث را میدیدیم.¹

4.2 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در آموزش چه فعالیتی داشتند؟

مهم‌ترین درسی که در حوزه آموزش به شاگردان میداد این بود که تعلیم و تعلم زمان و مکان نمیشناسد. هر روز کاری و غیرکاری، جمعه و تعطیلات عید و تابستان، در حضر و سفر لحظهای نباید غافل از یادگیری باشیم. لذا هر فرصتی که پیش میآمد سؤال علمی مطرح می‌کرد و به بحث می‌پرداخت.²

از جمله برجستگی استاد در آموزش عدم ملاحظه‌ی خودش بود تمام اهتمام او ارتقاء علمی شاگردش بود در پایه اول حوزه برایم اتفاقی افتاد که موقع امتحان فرصت نشد تا مطالعه کنم و نمره کمی گرفتم اتفاق را بازگو نمودم فرمودن ساعت ۲ شب به بعد می‌آمدی به منزل تا خلاصه مطالب را برایت بازگو می‌کردم، مجتهدی با این خصوصیت برای پایه اول شاگردش تا این حد حاضر است وقت بگذارد بسیار نادر است یعنی به‌گونه‌ای عمل می‌کرد کانه وقف شاگردش بود و شاگردان ایشان با تمام وجود دلسوزی را حس می‌کردند.³

با توجه به اینکه حضرت استاد در فضل و دانش حوزوی بویژه فقه و اصول و تاریخ و تفسیر قرآن و حدیث، زبان زد بودند همواره بر کیفیت آموزشی تاکید داشتند. خود ایشان الگوی عملی یک انسان موفق برای طلاب و نخبگان بودند. سیستم آموزشی نوین که حدوداً از سال 1373 از سوی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به شهرستانها ابلاغ شد با اندک مقاومتی مورد استقبال ایشان مواجه شد در حالی که بسیاری از روحانیون با سیستم نوین آموزشی و ترمی شدن حوزه مخالفت شدید داشتند. با توجه به اینکه خود ایشان همواره در کتابخانه مشغول مطالعه و یا در مدرس مشغول تدریس بود انگیزه طلاب از این رفتار علمی ایشان مضاعف می‌شد.⁴

به آموزش زبان ادبیات عرب، تقویت صرف و نحو بسیار تاکید داشت‌هاند و نکاتی از قرآن کریم می‌فرمودند که کمتر شنیده بودیم. ایشان همیشه مشغول مطالعه بودند. به نظم و زمان نیز توجه داشتند که زمان جنگ و جبهه بود و طلاب حضور داشته باشند طی دو سال جامع المقدمات، هدایه، سیوطی را تمام کنند و سپس بعد از دو سال دروس فقه را شروع کنند و همزمان به طلاب پایه پایین‌تر دروس صرف و نحو را تدریس می‌کردند.

1 - حسن زاده، حسین، درس خارج، مدرس حوزه علمیه، فارغ تحصیل رشته تخصصی کلام.

2 - محمدی، مرتضی

3 - میری، سید حسین

4 - هاشمی،

برنامه عمومی حضرت استاد در آموزش به این صورت بود؛ تأکید بر حضور طلاب در مدرسه- تأکید بر حضور طلاب در کلاس درس و جریمه کردن غائبین - مباحثه همه طلاب بعد از نماز صبح در مسجد - هر شب بعد از نماز مغرب با طلاب یک پایه جلسه علمی و سؤال و جواب درسی داشتند - هر شب بعد از نماز عشاء به مدت 5 الی 10 دقیقه برای عموم طلاب در مسجد ادبیات عرب می‌گفتند - در ماه مبارک رمضان هر روز همراه تلاوت یک جزء قرآن مجید نکات تفسیری، ادبیاتی و لغات آن جزء را بیان می‌فرمودند. برنامه خصوصی؛ حضرت استاد از نبود مرکزی در حوزه علمیه کشور برای تربیت استاد رنج می‌بردند لذا در مدرسه مبارکه خودش تربیت مدرس را شروع نموده بودند و برای طلاب مستعد کلاس و درس ویژه می‌گذاشتند و مدرس تربیت می‌نمودند و همین امر سبب بوجود آمدن مرکز تربیت مدرس در حوزه علمیه قم توسط شاگردانش شد و همچنان ادامه دارد. حضرت استاد درس خارج ویژه برای طلاب خاص هم داشتند¹.

4.3 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در تولید و گسترش علوم اسلامی و انسانی چه فعالیتی داشتند؟

مرحوم استاد با توجه به اینکه در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی تهر و مطالعه زیادی داشتند، در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، فردی جامع‌الاطراف محسوب میشدند و به همین جهت در جهت گسترش علوم اسلامی بسیار کوشا بودند و همیشه سعی داشتند حرف تازه‌ای برای مخاطب داشته باشند و از اینکه در علوم اسلامی بهجای تولید دانش، مقلد باشند بسیار پرهیز داشتند و به همین دلیل بعضاً ایده‌هایی را مطرح می‌کردند که در ظرفیت جامعه علمی و طلاب نبود. به عنوان نمونه ایده‌های ایشان در موضوع عوامل قیام امام حسین علیه السلام که در کتابی به رشته تحریر در آمده است. همواره به طلاب تأکید میکردند که هیچگاه سخنی را حتی از من که استاد شما هستم بدون مستند نپذیرید و از اولین روزهای تأسیس حوزه علمیه فیضیه مازندران در سال 1364 که با درسهای پایه مانند جامع المقدمات شروع شد تأکید داشتند که برای هر استدلالی باید اقناع وجدانی پیدا کنید وگرنه قبول نکنید. طبعاً جامعه علمی مقلد به‌ویژه در علوم اسلامی نمیتواند تولید کننده علم باشد². سفارش مؤکد به مطالعه وسیع و تفکر در آن مطالب و نوشتن کتاب در تأیید یا ردّ آن می‌نمودند³.

1 - حسنزاده، حسین،

2 - هاشمی، سید حسین.

3 - حسنزاده، حسین.

می‌توان از تلاش ایشان برای حضور در مدارس مختلف و ایجاد فضای بحث علمی و تشویق طلاب حتی پایه‌های پایین برای نوشتن نام برد¹.

4.4 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در تبلیغ چه فعالیتی داشتند؟

شیوه و همت حضرت استاد بیشتر بر عالم پروری بود نه مبلغ پروری، اما با این وجود، این شخصیت عارف در حیات بابرکت خود با تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی و تربیت شاگردان توانست خدمات فراوانی به عالم اسلام داشته باشد². در تبلیغ شاگردانش نیز مثل تربیتش اهتمام داشتند و سعی وافر در فرستادن طلاب به سمت محراب، موعظه، مساجد اطراف برای اقامه نماز جماعت داشتند. وقتی گفته می‌شود خودش را وقف تعلیم و تربیت کرده علوم اسلامی که شاخه‌ای از شاخه‌های علوم انسانی است معلوم می‌شود که اینک در فن‌آوری و فرهنگی نیز مشخص می‌گردد³.

در این خصوص باید به این نگاه استاد توجه کرد که قبل از ورود به تبلیغ باید شخص مبلغ مسلح به علم و معلومات کافی در حوزه تبلیغ باشد تا خدای ناخواسته تبلیغ اثر معکوس نداشته باشد⁴.

در تبلیغ تا آنجایی که شرایط اقتضاء می‌کرد برای طلبه‌ای که قصد جبهه رفتن داشت، به دلیل اینکه از طرف خانواده اجازه فرستادن نداشت و برای تحصیل علوم دینی فرستاده بودند، علیرغم میل باطنی خود خیلی علاقه نشان نمی‌داد، طلبه‌های فیضیه مازندران همه لباس بسیجی داشتند، فضای حوزه فیضیه در آن زمان خیلی با فضای دیگر حوزه‌ها تفاوت داشت. به عنوان مثال؛ وقتی از طلاب مدرسه فیضیه بابل در کنگره سراری شعر و ادب گریان حضور پیدا کردیم، از ما سؤال میکردند که آیا شما پاسدار هستید، یا از طرف پایگاه مقاومت بسیج آمده‌اید، به خاطر این که همه طلبه‌ها لباس بسیجی داشتیم، در مجموع فضای حوزه فیضیه در آن زمان، فضای جبهه و جنگ و ایثار بود و مانند رزمندگان عمل می‌کردیم، اکثر اوقات طلبه‌ها برای تبلیغ، جبهه بودند و شاهد مجروح و شهید شدن طلاب بودیم⁵.

مرحوم استاد نسبت به تبلیغ اهتمام خاصی داشتند و حتی به طلاب جوان توصیه میکردند که بعد از گذراندن یک دوره حوزوی با مردم جهت تبلیغ ارتباط برقرار

1 - محمدی، مرتضی.

2 - حسن زاده،

3 - میری،

4 - محمدی، مرتضی.

5 - رزاقپور، محمدجعفر

کنید¹ و اکثر محلاتی که درخواست مبلغ از حوزه ایشان داشتند بدون پاسخ نمی ماندند و حتماً از طلاب کسی را برای تبلیغ اعزام میکردند. خودشان هم با وجود مشغله های زیاد، مقید به تبلیغ بودند. لذا توانست طلابی را تربیت کند که در اخلاص و صفای باطن بی نظیرند. اگر تبلیغ می روید هرگز با مردم قرارداد نبندید که فلان قدر میگیریم، بلکه اگر هدیه میگیرید مبلغی را به عنوان تبرک بردارید و بقیه را جدا کنید و برای امور مسجد اهدا کنید. شده که برای تبلیغ می رفتیم و دارای امکانات پایین بودند و چیزی دریافت نمی کردیم، این اثر آن تربیتی بود که ایشان نمودند. البته اواخر عمر برای سخنرانی حضوری کمتر موافقت میکردند، ولی هیچگاه به یاد ندارم که نسبت به پیشنهادهایی که برای تبلیغ از طریق رسانه های جمعی بویژه صدا و سیمای استانی به ایشان می شد، امتناع کنند².

4.5 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در فناوری چه فعالیتی داشتند؟

ایشان با وجود آنکه بسیار روحانی سنتی بودند اما با هر نوع سیستم آموزشی مدرن و ابزار آموزشی مبتنی بر فناوری جدید سر سازش داشتند. فیضیه مازندران از اولین حوزه های علیمه ای بود که از رایانه استفاده کرد (حدوداً سال 1374)³.

4.6 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در فرهنگ چه فعالیتی داشتند؟

مرحوم استاد الگوی مناسبی برای ساختن شاگردانی با فرهنگ بودند و برای فرهنگ سازی طلاب علاوه بر سخنان ارزشمند و نصایح ماندگار، الگوی رفتاری تمام عیار در این زمینه بودند. ایشان در خرید شخصی میوه سعی می کردند در موارد متعددی میوه هایی را که مانده و نزدیک به فساد هستند انتخاب کنند و استدلال ایشان این بود که این میوه ها مشتری ندارد و موجب ضرر میوه فروش خواهد شد. و یا در حفظ محیط زیست بسیار کوشا بودند و شبهای جمعه که از حوزه تا مسجد سلطان محمد طاهر با طلاب برای اقامه نماز جماعت میرفتند سعی داشتند که در مسیر پیاده یک کیلومتری برگشت به منزل، ضایعاتی مانند پلاستیک و نایلون که موجب آلودگی محیط زیست میشد را با کمک طلاب جمع آوری کنند و یک بار طلاب که جلوی ایشان تندتر حرکت میکردند تا اقدام به جمع آوری زباله کنند، گویا طلاب یک نایلون بسیار کثیف و مشمئز کننده را عمداً جمع

1 - میری، سید حسین

2 - هاشمی، سید حسین

3 - هاشمی،

آوری نکردند و ایشان که پشت سر حرکت میکردند، آن نایلون کثیف را با دستان خود جمع کردند و این نکته علاوه بر اینکه موجب شرمساری طلاب شده بود، درسی بود برای این که در فرهنگ سازی جامعه باید از خود شروع کرد و بر نفس خود پا گذاشت و از شعار صرف پرهیز کرد. مکرراً طلاب مشاهده کردند که ایشان در حال نظافت سرویس بهداشتی هستند و هیچگاه از این کار خجالت نمیکشیدند، که نشان از ایمان و اعتقاد ایشان بود.¹

از امتیازات دیگر این عالم روحیه انقلابی، دینمداری، ولایتمداری و دفاع از آرمان امام راحل (رحمه الله علیه) بود که در این مسیر فرزند خود را تقدیم نمود. ایشان نسبت به انقلاب و شخص رهبر معظم انقلاب بسیار حساس بودند و شاید تنها کسی بود که بعد از امام رفته بودند قم برای سخنرانی و تاکید بر این داشتند که مرجع اعلم، مقام معظم رهبری می‌باشند.

حضرت استاد در عرصه‌های مختلف فرهنگی الگو بودند و الگوی رفتاری ایشان در تربیت شاگردان دارای استقلال فکری، انتقاد پذیری و منتقد سازنده بودن از باقیات و صالحات تربیتی استاد است.²

4.7 آیت الله فاضل برای تربیت شاگردان اثرگذاری محسوس در عرصه‌های مدیریتی چه فعالیتی داشتند؟

استاد بزرگوار همواره بر پرورش مدیران سالم تاکید داشتند، ولی بر این نکته مکرر تاکید میکردند که در آینده اصل بر این باشد که به کارهای حوزوی بپردازید و تا حد امکان از پذیرش پستهای مدیریتی اجتناب کنید مگر اینکه ضرورت ایجاب کند و همیشه توصیه میکردند که هیچگاه به استقبال پستهای مدیریتی نروید، اما اگر به شما پیشنهاد شد و نیاز به خدمت در آن پست بود، امتناع نکنید.³

ایشان دارای شخصیت جامع بودن و سیستم مدیریتی عملگرا و خردمندانه داشتند و بعد از انقلاب و حضورشان در شهرستان بابل تشخیص دادن که دوره نمایندگی مردم شریف بابل را تجربه کنند، یک فرصت طلایی بود که ایشان وارد مجلس شدند، فوق العاده مردمدار و دارای شخصیت جامع به لحاظ علمی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی، انسانی وارسته و خدمتگذار برای مردم و مفید در نمایندگی با وجود تجربه و توانمندی که داشتند می‌توانستند برای دوره‌های بعدی مؤثر و مفیدتر باشد، اما رها کردند و اعتقادشان این بود که من می‌توانم نمایندگان زیادی را برای نظام و انقلاب و مجلس اسلامی و حوزه‌های مختلف مدیریتی، اجرایی، فرهنگی، قضایی تربیت کنم. و امروز می‌بینیم که یکی از سرمایه‌های عظیم کشور تقریباً از تربیت شدگان و پرورش یافتگان در محضر آیت الله فاضل

1 - هاشمی،

2 - محمدی، مرتضی.

3 - هاشمی،

(ره) می‌باشند که در حوزه سیاسی در هر سه قوا در حد مقامات و شخصیت‌های عالی خدمت میکنند. در حوزه مدیریتی کشور، حوزه آموزش و هیئت علمی در دانشگاه مفید و علامه طباطبایی و... حضور دارند. این‌ها همه نتیجه تلاش این شخصیت بی نظیر است.

اعتماد به شاگردان و واگذاری امور مدیریتی همراه با هدایتگری باعث تربیت مدیران لایقی شده است. صحبت‌های استاد چنان اعتماد به نفسی به شخص اعطا میکرد که شاید نیمی از توانایی لازم را فرد هنگام اعطای پست از استاد دریافت می‌کرد.¹

ایشان آرزو میکردند که در کنار مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه مرکزی برای تربیت مدیران هم ایجاد شود.²

4.8 آیت الله فاضل برای پرورش شاگردان دارای هوش چه فعالیتی داشتند؟

مرحوم استاد در جهت پرورش طلاب باهوش بسیار اهتمام داشتند و طلاب با هوش همیشه با تشویق و احترام خاص ایشان روبرو می‌شدند. هر شاگردی دارای هوش و استعداد ویژه‌ای داشت برایش برنامه ویژه درسی اضافی داشت و او را در ظرف زمانی کوتاهی به عنوان استاد پایه پایین‌تر تربیت و مطرح مینمود که شاگردانش از جمله اساتید موفق حوزه‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشند.³

سیاست ایشان هم به گونه‌ای بود که در پرورش و شکوفایی طلاب باهوش بسیار مؤثر بود به عنوان نمونه همیشه سعی داشتند از این طلاب برای تدریس و امور پژوهشی بهره گیرند و روش استدلالی ایشان در تدریس هم خود موجب پرورش طلابی با هوش بود. از ابتدای تأسیس حوزه طرح تربیت مدرس را ابداع کردند و طلاب باهوش را بطور خاص و با کلاسهای خصوصی برای تدریس آماده می‌کردند.⁴ کلاس‌های ویژه برای آن‌ها می‌گذاشتند و کرسی تدریس به آن‌ها می‌دادند.⁵

1 - محمدی، مرتضی، خارج حوزه، دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

2 - حسن زاده، حسین

3 - میری،

4 - هاشمی، سید حسین؛ محمدی، مرتضی

5 - حسن زاده،

4.9 آیت الله فاضل برای پرورش شاگردان دارای خلاقیت چه فعالیتی داشتند؟

استاد کسی بود که هر شخصی بهراحتی می‌توانست طرحها و ایده‌هایش را مطرح کند و تا حد ممکن از حمایت‌های ایشان برخوردار باشد. آنچه که ذهن خلاق را شکوفا می‌کند، جرات بیان و طرح آن است که هیچ وقت استاد در این جهت ذوق افراد را سرکوب نمی‌کرد بلکه امکان بروز آن را فراهم میکرد¹.

4.10 آیت الله فاضل برای پرورش شاگردان دارای کارآفرینی چه فعالیتی داشتند؟

حجه الاسلام والمسلمین دکترسید حسین هاشمی در پاسخ به این سؤال فرمودند: کارآفرینی در زمینه علوم اسلامی چندان مصطلح نیست. اگر چه سؤال خوبی است اما چیزی که هیچگاه موضوع مورد اهتمام حوزه‌های علمیه نبوده همین کارآفرینی است که بازگشت به نوع جهان بینی طلاب و اساتید حوزه دارد که هیچ‌گاه به تحصیل در حوزه به فکر کارآفرینی به معنای مصطلح نبوده‌اند². استاد معتقد بودند حوزه آمدن شغل نیست، بلکه ایشار و از همه مهمتر وظیفه است. می‌فرمودند روحانی نباید در مقابل کار فرهنگی و تبلیغی، تدریس در حوزه یا مدارس یا دانشگاه پول بگیرد و باید فقط به شهریه خود اکتفاء کند. همچنین معتقد بودند طلاب مالک شهریه نمیشوند. حضرت استاد روحانیونی که شاغل و حقوق بگیرند را روحانی نمی‌دانستند بلکه شاغلین عمامه به سر می‌دانستند³. نوع تفکر و اندیشه‌ی آیت الله فاضل این بود که طلبه‌ی باسواد باید تا حدی رشد و ارتقاء پیدا کند که برایش کار فراهم شود، باید خودش کارآفرین باشد و از دیگران جهت کار دعوت کند⁴.

4.11 آیت الله فاضل برای پرورش شاگردان دارای نبوغ فکری چه فعالیتی داشتند؟

در حوزه مسائل علمی و آموزشی، ایشان برای بروز نبوغ فکری و ارتقاء شاگردان بااستعداد، آنان را هدایت و تلاش مینمود متناسب سطح علمی شاگردان، سؤالات علمی در جمع‌های مختلف و وادار کردن آنها برای مطالعه بیشتر جهت یافتن پاسخ و حل مساله باعث شکوفایی شاگرد و از این طریق فکر آنان را فعال

1 - محمدی، مرتضی.

2 - هاشمی، سید حسین

3 - حسن زاده،

4 - رزاقپور، محمدجعفر

می‌نمود، در واقع به طلاب هنر ماهیگیری را یاد میداد و اگر شاگرد مسالهای را حل میکرد، فوراً به او یک مسئله جدیدی میداد.¹

تلاش بی وقفه استاد و ایجاد فضای آزاد اندیشی برای بحث علمی موجب رشد فزاینده شاگردان شده بود.²

ظرفیتی که حضرت استاد در فیضیه مازندران و اطرافیاناش ایجاد کرده است در کمتر کسی دیده می‌شود حتی در بزرگان درجه یک حوزه‌ها و به‌خصوص حاکمیت نظام مفقود است و آن ظرفیت پذیرش تمام گرایش‌های سیاسی و حتی گرایش‌های اعتقادی بود و مقصود از پذیرش قبول اندیشه‌ها نیست، بلکه احترام گذاشتن است و به اصطلاح قرآن اذن بودن شخص است به عبارت دیگر خوش‌باور متکی به نظر اسلام.³

تربیت اساتید و فرستادن آنها جهت تبلیغ و برگزاری دوره‌ها برای نیروهای حشدالشعبی در عراق نشان از آن دارد که استاد مدیریتی قوی در رشد و توسعه علمی داشتند.⁴

4.12 آیت الله فاضل چگونه توانست شاگردان مؤثر در سرعت بخشیدن به رشد فضائل اخلاقی جامعه تربیت کند؟

فضائل اخلاقی شاگردان استاد را باید در خلوص و زهد عملی ایشان جستجو کرد. بهترین کلاس اخلاق (هر چند کلاسهای اخلاقی خوبی از استاد داشتیم) تماماً رفتار و اعمال و برخوردهای اخلاقمدارانه ایشان، بالاترین الگوی اخلاقی بوده است.⁵

برای رشد فضائل اخلاقی به خصوص طلاب نکات اخلاقی که در روزهای چهارشنبه مطرح می‌نمودند ما قبلاً در رفتار ایشان مشاهده کرده بودیم. واقعاً عالم عامل و استاد اخلاق بودند و دنیا را همانند امیرالمؤمنین (علیه السلام) سه طلاقه کرده بودند. برای پاسخ به سؤالات وقت می‌گذاشتن و نیز خود سؤالات ظریف و پیچیده مطرح و ذهن را درگیر میکردند تا طلبه قدرت حل مسئله پیدا کند و سپس در نقش اجتماعی خود موفق ظاهر شود.

نیمه شب به حجره‌ها سر میزد و از نماز شب طلاب لذت میبرد و با شوخی و جهت مزاح میفرمود: «صلاه الیل شرف المومن»⁶؛ نماز شب شرف مؤمن است و هر که نخواند بی‌شرف است.⁷

1 - محمدی، مرتضی.

2 - محمدی، مرتضی.

3 - میری،

4 - رزاقپور،

5 - محمدی، مرتضی.

6 - بحار الانوار، جلد ۸۴، ص ۱۵۲؛ قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاةُ اللَّيْلِ وَ عَزُّ الْمُؤْمِنِ كُفُّهُ عَنِ النَّاسِ».

7 - رزاقپور، محمد جعفر

آیت الله فاضل (ره) در نظام رفتاری بسیار ساده زیست، جدی و عمل‌گرا بودند و فضیلت اخلاقی از کانال ایشان گسترش پیدا می‌کرد این بود که برای دیگران بهترین رو می‌خواستند و به حداقل‌ها برای خود بسنده می‌کردند، اهل اسراف نبود، مراعات می‌کرد، حتی نان خشک‌شده که طلاب نمی‌خوردند را دور از چشم دیگران برمیداشتند و با آب جوش می‌خوردند.¹

5 نتیجه

یکی از راه‌های پیشرفت و رشد همه جانبه حوزه‌های علمیه شناسایی، پرورش و نگهداشتن طلاب نخبه و مبتکر به عنوان سرمایه‌های انسانی می‌باشد. توسعه سرمایه انسانی از طریق نخبه‌پروری و پرورش نخبگان و بکارگیری درست نخبگان در جایگاه مناسب، نقش اساسی در موفقیت و پیشرفت حوزه‌های علمیه ایفا می‌کند. با توجه به نتایج به دست آمده از محتوی، نخبه کسی است که دارای شایستگی و توانمندی ویژه است و از استعدادهایش بهترین استفاده را میکند، از این رو میتوان یکی از شاخصه‌های نخبه را اثربخشی آنان در جهت رشد و اصلاح جامعه بر مبنای ارزشهای اسلامی دانست و رسیدن به جامعه آرمانی از نتایج عملکرد نخبگان در راستای رشد جامعه می‌باشد.

از سیره عملی آیت الله فاضل استرآبادی (ره) چنین برمی‌آید که نقش اساسی اساتید نخبه و متخصص در راهبری و پرورش استعدادهای برتر و نخبه ببیدیل می‌باشد و بخش مهمی از پیشرفت حوزه‌های علمیه و رسیدن به چشم اندازهای طراحی شده، وابسته به شناسایی و پرورش استعدادهای برتر و رسیدن تا مرحله نخبگانی و میزان بکارگیری آنان دارد، که بدون نخبگان توسعه و پیشرفت جامعه امکان پذیر نیست.

منابع و مأخذ

1. **قرآن کریم** (1385)، ترجمه الهی قمشه‌ای، چ 20، قم: نشر حافظ نوین.
2. **نهج البلاغه** (1389)، مترجم: محمد دشتی، چ 4، قم: انتشارات نشتا.
3. **اساسنامه بنیاد ملی و سند راهبردی نخبگان** (1383)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
4. **آیین‌نامه احراز استعدادهای برتر و نخبگی** (1385)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
5. بشیریه، حسین (2016)، **جامعه شناسی سیاسی** (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران: نشر نی.

6. پرتال امام خمینی (1391)، **کنکاشی در مفهوم نخبگان و توده‌ها از منظر امام خمینی** (ره)، <http://www.imam-khomeini.ir>.
7. پرداختچی، محمدحسن (1385)، **درآمدی بر کارآفرینی سازمانی**، تهران: انتشارات ارسباران.
8. ترابی، یوسف (1388)، **اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
9. توسلی، طیب؛ بهروز، زهرا (1393)، **تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام**، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، شماره ۵، ص ۱۴۹.
10. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (1375)، **بیانات در دیدار فرماندهان لشکر 27 محمد رسول الله (ص)**.
11. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (1381)، **بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی**.
12. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (1384)، **بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان**.
13. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (1386)، **بیانات در دیدار نخبگان جوان**.
14. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (1387)، **دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت**.
15. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، **بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان ششمین همایش ملی نخبگان جوان**.
16. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، **بیانات در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان**.
17. خمینی، سید روح الله (1380)، **شرح چهل حدیث**، چ 24، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
18. دفترچه فراخوان شناسایی استعدادهای برتر حوزه‌های علمیه خاوران (1400)، **مرکز نخبگان و استعدادهای برتر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران**.
19. دهخدا، علی اکبر (1377)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.
20. ریشه، گی (1991) **تغییرات اجتماعی**، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
21. سایت دایره المعارف ویکی پدیا.
22. سریع القلم، محمود (1384)، **عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران**، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
23. شهید ثانی (1373)، **آداب تعلیم و تعلم در اسلام**، ترجمه: محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

24. طباطبائی، محمد حسین (1374)، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
25. طبرسی، فضل بن حسن (1360)، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، 27 جلدی، ترجمه: رضا ستوده و مترجمان، تهران: فراهانی.
26. عالم زاده نوری، محمد؛ حسن بوسلیکی و حسین مرادی (1392)، **نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی**؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج اول.
27. کلینی، محمد بن یعقوب (1379)، **اصول کافی**، ترجمه: محمد باقر کمرهای، 4 جلدی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
28. مشایخی، قدرت الله (1387)، **شیوه نخبگی**، قم: انصاریان.
29. مطهری، مرتضی (1383)، **مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)**، تهران: انتشارات صدرا.
30. مکارم شیرازی، ناصر (1374)، **تفسیر نمونه**، 27 جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
31. مهینی، محمدعلی (1378)، **نخبه شناسی در جامعه شناسی**، تهران: ثالث.
32. محسنی، امیر فؤاد (۱۳۹۴)، **نقش نخبگان در توسعه یافتگی**،
<https://www.tabnak.ir>